

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۲۱ *

فهرست مطالب :

- ۱ - تصویب صورت مجلس
۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف آقای معاون وزارت جنگ
۳ - بقیه شور و تصویب لایحه مربوط به جنگل
۴ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه.

مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید

صورت مجلس روز یکشنبه ۱۳ دی ماه را آقای (طوسی) منشی قرائت نمودند **

[۱ - تصویب صورت مجلس]

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست (اظهاری نشد)

میگرفت و بر طبق قانون افزایش حقوق که اخیراً گذشت در آن قانون صدی ۲۵ بر حقوق آنها اضافه شد و روی هم رفته مرتباً ۵۲ ریال عاید آنها میشود ولی برای افراد داوطلب پیش بینی نشده و این اشخاصی که در واقع در انجام وظیفه از کار افتاده اند و هیچ کاری نمیتوانند بکنند وضع آنها بیک حال اسفنا کی رسیده است

صورت مجلس تصویب شد .

[۲ - تقدیم دو فقره لایحه از طرف

آقای معاون وزارت جنگ]

رئیس - آقای سر تپ ریاضی فرمایشی داشتید ؟

سر تپ ریاضی - در قانون باز نشستگی ارتش که بتصویب

و از طرفی هم چون از کار افتاده اند نمی توانیم کار مهمی بآنها رجوع بکنیم این است که لایحه ای تهیه شده است که اینها را هم مثل افراد سرباز وظیفه که در قانون برای آنها پیش بینی شده معامله شود و باز نشستگی روی اشل باز نشستگی پیش بینی شود که بلاین وضعیتی که

مجلس شورای ملی رسیده است در ماده ۱۹ برای سربازان و سرجوخه هائی که در خدمت وظیفه مجروح یا معلول میشوند پیش بینی کرده بود که بر طبق آن افرادی که باین وضعیت می افتند تا حدود ۴۵ ریال حقوق باز نشستگی بآنها تعلق

* عین مذاکرات مشروح یکصد و بیست و چهارمین جلسه از سیزدهمین دوره قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

** اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه : آقایان رضوی - منصف - مهرآت اسفندیاری - تولیت - مهدوی - مؤید احمدی - ارگانی - مشیردوانی - ناصری - اکبر - امیر ابراهیمی - حمزه تاش - دکتر سنگ - فاطمی - فریدونی - دبستانی - صادق وزیری - دولت شاهو - آصف - معینی - گرگانی - پناهی - آزادی - مسعودی - مستشار - اعتبار - دکتر ملک زاده - کامل ماکو
دیر آمدگان بی اجازه : آقایان موقر - نصر تیان

گرفتار هستند بتوانند ادامه حیات بدهند. موضوع دیگر -- این است که در قانون بازنشستگی منظور نشده بود و آن راجع بافسران وظیفه است. افسران وظیفه چنانچه خاطر محترم آقایان مستحضر است اینها اغلب وارد خدمت نشده اند و می آیند خدمت وظیفه را انجام میدهند در حین افسری در حینی که خدمت افسری را انجام میدهند گاهی مأمور میشوند و در اثر آن مأموریت اتفاق افتاده است که معالول میشوند و در وضعیتی واقع میشوند که مجبوریم از قانون بازنشستگی استفاده کنیم گرچه سابقه خدمت ندارند ولی ما مجبوریم. گرچه در قانون افسران حاضر السلاح پیش بینی شده است که سابقه خدمت برای این اشخاصی که در نتیجه جروح از کار می افتند محفوظ مانده و با آنها حقوق بازنشستگی هم تعلق میگیرد ولی این را در قانون برای افسران وظیفه پیش بینی نکرده اند این است که يك ماده هم در این زمینه پیش بینی شده است که با افسران وظیفه هم که در حین انجام وظیفه جروحاتی با آنها وارد میشود همان معامله بشود که با افسران دیگر میشود و اگر سابقه خدمتی هم در ادارات دیگر دارند روی سابقه خدمت در اداره خودشان معامله بشود که آنها هم مستأصل و بیچاره نشوند.

۳ - بقیه شور و تصویب لایحه جنگل

رئیس - به کمیسیون رجوع میشود. بطوریکه آقایان مسبقاً در ماده ۶ مربوط به جنگل مذاکرات انجام شد فقط يك پیشنهادی رسیده است که خوانده میشود و بعرض آقایان میرسد و بعد به ماده رأی گرفته میشود. پیشنهاد آقای دکتر سمیعی

ریاست مجلس شورای ملی - پیشنهاد مینمایم که در سطر آخر ماده ششم بعد از وزارت کشاورزی اضافه شود بار و سالی کشاورزی. دکتر سمیعی

مخبر - وزیر کشاورزی هم با این پیشنهاد موافقت کرده بودند بنده هم موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود بماده ششم با این اصلاحی که بممل آمد موافقین برخیزند (اکثر برخاستند)

تصویب شد. ماده هفتم

ماده هفتم - هر کس از روی بی احتیاطی مرتکب عملی شود که در نتیجه آن جنگل آتش بگیرد بحسب تأدیبه از دو ماه تا یکسال محکوم خواهد شد.

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده هفتم موافقین با این ماده برخیزند (اکثر برخاستند)

تصویب شد ماده هشتم.

ماده هشتم - در مواقع آتش سوزی جنگلها کلیه مأمورین دولت و اهالی که در نزدیک آن محل باشند موظف بکمک در آتش نشانی هستند

رئیس - آقای انوثر

انوار - این موضوعی است موضوع اخلاقی ولی مانمی توانیم در موضوع اخلاقی دخالت کنیم درست است که قوانین بشر را به موضوعهای اخلاقی راهنمایی میکند ولی ما نمی توانیم بدون مجازات آنها را موظف کنیم. اینجا خواستم آقای مخبر توجه کنند اینجا نوشته است که افراد موظف بکمک هستند ولی ما باین جور که نمی توانیم این است که خواستم که آقای مخبر اگر قبول کند این يك التزامی يك کیفری قائل شویم که مثلاً جنگل که آتش بگیرد مأمور در آنجا هست یا کدخدای است اینها توجهی نمیکنند این را نباید قناعت کنیم که بگوئیم که تخلف کرده اند معلوم است که آتش گرفته است ولی کدخدای اقدام نکرده است یا مأمور دولت در آنجا بوده است دخالت در فرونشاندن آتش نکرده است و اینجا يك کیفری برای او در نظر گرفته نشده

مخبر - عرض کنم مأمورین دولت وظایف مختلفی دارند و وظایفی دارند که از نظر امور مربوطه اهمیت آن البته تصدیق میفرمائید که مهمتر لزاماً این موضوع است باینجهت است که يك مجازاتی برای آنها پیش بینی نشده است. البته بطور کلی مأمورین دولت مجازاتهای عمومی دارند اگر تخلف از مقررات قانون بکنند این هم یکی از مقررات است در صورتیکه عمل نکرد طبق مقررات و قوانین استخدای تعقیب

خواهد شد دیگر اینجا لزومی ندارد که مجازات برای آنها قائل شویم مخصوصاً اینکه شامل حال تمام افراد خواهد شد و تصور نمیکنم که کسی باشد که خودش برود و آتش سوزی بکند. اگر يك مقررات و مجازاتی در اینجا برقرار کنیم تصور میکنم در آتیه اسباب زحمت مأمورین بشود و بنده تصور میکنم که این ماده کافی است و طبق این ماده و نظامنامه ای که بر طبق همین قانون تنظیم خواهد شد البته ممکن است در همان نظامنامه هم قید بکنند که این عمل انجام شود که بکلی رفع نگرانی آقا بشود.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - بنده تصور میکنم بدون اینکه برای اهالی تکلیف قانونی معلوم کنند همانطور که در گذشته خودشان از خانه ولانه و جنگل مراقبت میکردند باز هم در آتیه خواهند کرد و مصلحت نیست که در اینجا آنها را موظف بکنیم. اما اینکه نوشته شده است کلیه آنها موظف هستند که مواظبت و کمک کنند این کلیه اهالی شامل زن میشود بچه میشود مرد می شود بزرگ می شود کوچک می شود و بالاخره در موقع اجراء سوء تعبیر ممکن است که پیش آید و اسباب زحمت میشود بنده استدعا میکنم موافقت بفرمایند اصلاً این قسمت حذف شود و بنده قول قطعی میدهم که هر وقت آتش سوزی بشود خود اهالی با نهایت علاقمندی و کمال رغبت میروند و خاموش میکنند اما اینکه تکلیف تعیین میکنند این کار خوب نیست و بنده تمنی میکنم که حذف شود

مخبر - عرض شود اینکه میفرمایند کلمه کلیه شامل حال همه است عرض کنم که کلمه کلیه شامل حال همه مأمورین دولت است و کلمه کلیه شامل اهالی نیست اینجا مینویسد کلیه مأمورین دولت و اهالی که در نزدیکی جنگل واقع شده اند. اینکه میفرمایند اهالی میروند آتش سوزی را خاموش میکنند اگر مقررات قانونی نباشد بچه وسیله میتوانیم بگوئیم که شما بیایید و کمک کنید در اطفاء حریق و در تمام دنیای متمدن در قانون مدنی این مقررات هست

اشخاصی که نزدیک جنگل واقع شده اند و از همه چیز جنگل استفاده میکنند و از هر نوع محسنات جنگل بهره بر میدارند البته وقتی که خطر بزرگی متوجه جنگل میشود بدیهی است اشخاصی که در جوار جنگل واقع شده اند موظفند یعنی باید موظف شوند برای اطفاء حریق و اینجاست کلیه نیست نوشته است اهالی که در مجاورت جنگل هستند و البته اهالی شامل آن اشخاص میشود که میتوانند کمک بکنند بنده تصور نمیکنم این اسباب زحمتی برای مردم فراهم شود خصوصاً اینکه در اینجا مجازاتی هم پیش بینی نشده این يك نوع التزام اخلاقی است که اخلاقاً اینها مجبور هستند که کمک کنند با مأمورین دولت حالا بنده تمنی میکنم که حضرت تعالی هم موافقت بفرمائید.

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - بنده هم با این ماده مخالفم و عقیده ام این است که کسی نیست که يك جایی را به آتش سوزی است و نرود جلو برای اطفاء آن و نظر بنده این است که تمام مردم هر کس به بیند که يك جایی آتش سوزی است میرود در آنجا آتش را خاموش میکنند. مثلاً در یکجایی آتش گرفت آنوقت شما گفتند چرا این انومبیل را که مثلاً احیاناً آنجا هست شما خاموش نکردید. هزار جور زحمت ممکن است فراهم شود اسباب زحمت بشود آقا. مردم عموماً همینطور هستند اگر شما يك همسایه ای داشته باشید ولو دشمن شما هم باشد اگر خدای نکرده دکتري لازم داشته باشد خودتان تشریف میبرید و کمک میکنید. بنده عقیده ام این است که این ماده زیادی است و باید حذف شود. اگر آقای وزیر کشاورزی بودند حتماً با حذف ماده موافقت میکردند و حالا هم تمنی دارم آقای افشار موافقت بفرمایند.

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - آقای دکتر سنگ استدعا میکنم توجه کنید اول لازم است که ماده را قرائت کنیم مینویسد: «در مواقع آتش سوزی جنگلها کلیه مأمورین دولت و

اهالی که نزدیک آن محل باشند موظف بکمک در آتش نشانی هستند. خود حضرت تعالی این مقدار بلکه بیشتر در ادبیات مهارت دارید که لفظ کلیه که باول جمله گذارند عطف باول جمله میشود و عطف باخر جمله هم میشود مثلاً کلیه اهالی مجلس و ساکنین مدرسه سپهسالار این کلمه مستخدمین مجلس و کلیه ساکنین مدرسه سپهسالار. اینجا دوتا کلیه را تکرار نمیکنند این کلیه عطف به دومطلب که در آن جمله ذکر شده میشود این تمام شد. حالا موضوع چیست؟ موضوع این است که نوع ما مردم سبکمان این است که در عمل اجتناب نداریم اگر آن عمل ناشایست باشد ولی از لفظ آن عمل اجتناب داریم و او را برخلاف نزاکت میدانیم ولی عمل کردش را موافق نزاکت. این سبک ما است آتش فشانی اگر اتفاق بیفتد در جنگل یا خانهها مأمورین دولت را شما بخواهید تکلیف برایشان معلوم کنید خوب بکنید مأمورین باید تلمه بزنند و غیره ولی اهالی را بخواهید مکلف کنید نتیجه چه میشود؟ نتیجه این میشود که هر آتش نشانی و هر آتش فشانی یا هر آتش گرفتن که در تهران یا یک جای دیگر واقع میشود چهل روز بعد از آن مردم اطراف گریبانشان دست مأمورین است این سر میکشند و آن سر میکشند که آقا سطل این جا بود تو چرا سطل را بر نداشتی ببری یا طشت آب نزدیک تو بود چرا نبردی آب پیاپی و آنها را میبرند میاندازند توی هولدونی. دوتا مطلب است جنگل آتش میگیرد قبول آتش راهم مأمور خاموش میکند قبول یک آتش سوزی در اطراف جنگل برپا شده یک آتش فشانی هم با این رای که ما الان میدهیم درست میشود آقا بنده اهل این مملکت هستم شما هم اهل این مملکت هستید آقا مردم مکلف هستند اگر مردم مسلمان هستند میروند میکنند هر کس ذل دارد البته هر که داشت احساسات دارد - من خودم در رودس گیلان بودم دیدم که کشتی هارا موج دریای خزر به کنار انداخت. ۳۴ تا کشتی در آن جا در رودس آتش سوزی بود. اهالی کشتی که کشتی شان آمده بود روی کل نشسته بود آن کشتی روی گل را رها کرده و رفته

برای آتش نشانی شرکت کرده بودند آمده بودند آتش را خاموش میکردند. اما شما که میآید این جا و پای اهالی را در اینجا پیش میکشید و کلیه اهالی را مکلف میکنید نتیجه اش این است که آن اهالی که باید بروند خاموش کنند میآیند آنها را می چسبند و میگویند خطا کردی و کمک نکردی و اسباب زحمت آنها را فراهم مینمایند این را واقعاً باید بدانید شوخی نمیکنم (امیر تیمور - کاملاً صحیح است)

رئیس - آقای نقابت

نقابت - عرض کنم که بنده خیلی خوشوقتم از بیان آقای اورنگ که مطلب در عین اینکه این ماده یک ماده است که بقول آقای افشار مجازاتی ندارد (استدعا میکنم توجه بفرمایند آقای پارسا) با این که این ماده مجازاتی ندارد در این قانون ولی یک قدری از حیث اصول قابل توجه است. البته در احکام شرع و در احکام قانون و در هر احکام دیگری ما دو جور حکم داریم یک حکم واجب عین است که اگر عمل نشود مجازات و عقوبتی دارد. یک جور حکم کفائی است که اگر عمل نشود مجازات ندارد و اگر بکنفر عمل کرد از گردن دیگری ساقط است و باین جهت برای اقدام به واجبات کفائی مجازاتی پیش بینی نمیشود. مثلاً تکفین و دفن کردن میت به گردن همه است و اگر بنده کردم یا آقا کرد از دیگری ساقط میشود. این را در شرع بهش واجب کفائی میگویند و در قانون این را بهش التزام اخلاقی و اجتماعی میگویند. اگر میخواست که تکلیف بشود یعنی واجب عینی بشود در مقابلش یک مجازات هم نوشته میشد که هر کس نکرد چه جرمی بشود هر کس نکرد چه عملی با او بشود. اما چون در قانون مجازات نوشته نشده است نوشته میشود که هر کس این شعله حریق را دید مجبور است کمک کند این یک حکم کفائی است و مجازات ندارد در مقابلش البته این تکلیف بمهده کسی است که حاضر باشد. چون از نظر کلی بحث کردید که وحشت دارید از کلمه کلیه از نظر اخلاقی

و شرعی همیشه تکلیف متوجه به اشخاصی است که مکلف هستند یعنی قدرت دارند و میتوانند اعمال تکلیف بکنند یعنی رشد آنها مساعد است با قدرت مزاجی آنها اجازه میدهد و الا این تکلیف آپلی کابل به اشخاص نیست. باین جهت وقتی که گفته میشود اهالی مقصود آن اهالی است که قدرت دارند. حالا ممکن است زن هم باشد مرد هم باشد بعضی از زنها در دهات کمک بیشتر میکنند. دو تا کوزه میتوانند بیاورند و با بچه ها میتوانند بروند خبر کنند. این طور اعمال را میشود کرد و چون مجازات در مقابلش ندارد یک واجب کفائی است و عنوان ارشاد دارد در قانون و ضرری ندارد. حالا آمدیم یک نکته دیگری است که ممکن است مأمورین در مقابلش بکنند و آن این است که بیایند اذیت شان بکنند و این مأمورین بیایند و باشلاق اهالی را به بیگاری بکشند و بزنند که بیا آتش خاموش کن این فرض است این فرض از این ماده بر نمیآید این تخلف مأمور است این مطلب را مادر تمام قوانین ممکن است بگوئیم که مأمور ممکن است سوء استفاده بکند اما مقنن که نوشته است این مطلب را یک نکته ایست که ما بفهمیم چه کار بکنیم و چه کاری نکنیم چه علتی دارد که ما بگوئیم کلیه اهالی مکلفند فلان عمل خیر را انجام دهند البته آقا همه ما مکلفیم از گرسنگان و بیچارگان دستگیری کنیم اگر لباس زیادی داریم بآنها بدهیم اگر نان زیادی هم داریم بآنها بدهیم مگر این را در قانون نداریم در قانون احتکار نداریم؟ منتهی بعضی ها عمل نمیکنند بعضی ها هم عمل میکنند بعضی ها هم زاید بر استطاعتشان عمل میکنند این ها یک وظائف اخلاقی است و چون ضرری هم بجائی نمیزند خواهش میکنم آقایان قبول بفرمائید که بهمین صورت باشد

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده موافقم

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده موافقم

رئیس - آقای منشور

منشور - موافق هستم و توضیحی است که آقای اورنگ دادند کاملاً بجا است زیرا در ماده ۱۴ دولت را موظف کرده است که آئین نامه برای اجرای این قانون تنظیم بکنند در آن آئین نامه ممکن است هر جور که دلش میخواهد مجازات لازم را برای اجرای این قانون وضع کنند منتهی در ماده نوشته شده است که کلیه اهالی موظف هستند کمک بکنند در آتش نشانی این وظیفه در حدود اخلاق است که اگر هم کمک نکردند کسی متعرض آنها نخواهد شد پس ما ممکن است یک کاری بکنیم که اسباب زحمت نشود یعنی بعد از کلمه مکلفند نوشته شود در حدود امکان. اخلاقاً اگر توانستند کمک میکنند اگر نتوانست کمک کند رفع تکلیف از او میشود

بعضی از نمایندگان - کافی است. کافی است

رئیس - آقای یمین اسفندیاری

یمین اسفندیاری - با مذاکرانی که آقایان مخالفین ماده فرمودند بنده احتیاجی نمی بینم عرض کنم ولی بیانی که آقای نقابت فرمودند که این ارشاد ضرری نمی رساند اگر این ارشاد را از آقای راشد که در رادیو فرمایشاتی میکنند تقاضا کنیم و ایشان بگویند بلی خیلی نافع است ولی وقتی که در این قانون که از مجلس میگذرد و همین طور که آقای منشور گفتند یک آئین نامه ای دولت برای اینکار باید معین بکند قطعاً با آن اطلاعی که ما از اخلاق بعضی از مأمورین و یا اطلاعی که از بی اطلاعی مردم داریم اینجا یک سوء استفاده خواهد شد برای مأمورین و یک زحمتی را قطعاً برای اشخاصی که در محل هستند ایجاد خواهد کرد بنده استدعا دارم پیشنهادی را که آقای امیر تیمور تقدیم کرده اند اگر موافقت بفرمایند که خواننده شود و رفع اشکال میشود

رئیس - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - اجازه بفرمائید ما موافق بودیم بعد از

مخالف باید صحبت کنیم.

بعضی از نمایندگان - کافی است.

مخبر - ایشان مخالف بودند بنده هم مجبور هستم جواب

عرض کنم.

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد ندادند .

یهمین اسفندیاری - پیشنهاد آقای امیر تیمور است بنده هم قبول دارم .

مخبر - عرض کنم غالباً وقتیکه قوانین از مجلس میگذرد و یکی از صحبت هائی که در اطراف آن بیشتر بحث میشود همین قضیه مأمورین دولت است یعنی بیم و اندیشه این است که مجریان قانون قانون را طوری اجرا کنند که اسباب زحمت مردم بشود اگر این نظریه را ما پیش بگیریم پس باید هیچ قانونی را وضع نکنیم برای اینکه هر قانونی با مردم تماس دارد قانون مالیاتی قانون هائی که در عدلیه مقرر است آنها مجری است پس تمام قوانین با مردم تماس دارد ولی از طرف دیگر اینرا نباید از نظر دور داشت که مملکت ما بایستی با مرحله بهتری بگذارد و یک قدری در مرحله حقیقی و اجتماعی وارد شویم یعنی عادت کنیم که کارهای خودمان را از نظر اجتماعی و از نظر دسته جمعی انجام بدهیم یکی از مقررات فلاحتی این است که مردم را در مواقع بروز خطرات فلاحتی ، از قبیل هجوم حشرات و غیره و ادار بکمک بکنیم و همچنین در قسمت جنگل مردم هر ناحیه ای را مجبور میکنند مطابق مقررات قانون که با مأمورین دولت همراهی و کمک کنند در دفع بلا و رفع خطر بنمایند . یکی از چیزهائی که خیلی لازم است و تا بحال وزارت کشاورزی انجام نداده است این است که باید یک قانونی بیآورند برای رفع حشرات که به کشاورزان و بمملکت ایران چه مقدار صدمه میزند از قبیل لیسه . فرض بفرمائید اشخاصی که در نزدیکی آبجای زندگی میکنند میدانند جائیکه لیسه اثر میکند ملیونها صدمه میزند و اگر یکی دو نفر هم پیدا شوند که بخواهند جلو گیری کنند چون دپسگران کمک نمیکنند این توجه و دقت یکی دو نفر مؤثر نمیشود پس ما باید عادت بکنیم که مردم را بکمک دسته جمعی به انجام امور اجتماعی عادت بدهیم و یکی از این مقررات هم همین است که میگوید اگر در یک جائی آتش سوزی شده مردم اخلاقاً موظف هستند به اطفاء حریق اینک کار بدی نیست بقول

لازم دارد و آن این است که حدود را هم معین کنند .

رئیس - اهالی محل نوشته شده است و حدود لازم ندارد

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد آقای دکتر سنگ

دو مرتبه خوانده شود

(بشرح سابق خوانده شد)

دکتر سنگ - بنده این پیشنهاد را که کردم برای

این است که منظور آقای افشار هم تأمین شود که در اینجا مأمورین علاوه از اینکه خودشان مکلفند کمک بکنند این وظیفه را هم دارند که با اهالی هم خبر کنند که شما هم برای کمک بیائید .

روحی - عرض کنم که این ماده هیچ اشکالی ندارد و باید همگی موافقت کنید من هم رأی میدهم و میدانم هم که مانعی ندارد بسته بنظر مجلس است (اورنگ) - به پیشنهاد آقای امیر تیمور رأی بگیرید .

طباطبائی - بعقیده من آقای اورنگ توجه بفرمائید

این تشتت فکری که ملاحظه فرمودید در این باب از تناقضی بود که بین دو جواب از طرف دو مخبر کمیسیون داده شد

آقای انوار معتقد بودند که در ماده مجازاتی معین نشده بنابر این یک چیزی است که صورت قانونی ندارد و معلوم

نیست که اگر کسی تخلف کرد با او چه معامله خواهد شد جوابی که از طرف آقای افشار داده شد این بود که توجه

فرمودید؟ آقای نقابت که مخبر کمیسیون داد گسترده هستند جوابشان غیر از این بود فرمودند که جنبه ارشادی دارد

و مجازاتی هم برای کسانی که تخلف کنند در قانون نیست علی ای حال بنده خیال میکنم که تغییر ماده با هر شکلی که

فرض بفرمائید لازمه اش این است که وزیر هم باشد و نماینده دولت هم نظرش جلب شود تا اینکه بشود همه را تغییر داد

(دکتر سنگ - دولت حتماً موافق است) و ممکن است خود دولت موافق باشد علی ای حال به نظر بنده با توضیحاتی که آقای

نقابت دادند در صورت جلسه هم هست و اینجاست تصریح میکند که برای متخلفین مجازاتی نیست و این کافی است .

امیر تیمور - اجازه میفرمائید بنده در پیشنهاد خودم توضیح عرض کنم؟

رئیس - بفرمائید .

امیر تیمور - بنده اولاً در پیشنهاد خودم توضیحی

عرض نکردم و مخبر محترم داد گسترده آقای نقابت هم

موافقت فرمودند از این جهت دیگر لازم نمی بینم که

توضیحات زیادی در این قضیه بعرض برسانم حقیقه اینکه خودشان تصدیق دارند که اگر ملکات ورشد مأمورین دولت

ما کامل بود البته برای بنده و برای هیچکس نگرانی باقی نمیماند و قانون هم نمیخواستیم ولی مأمورین حقیقه دارای آن

رشد و ملکات نیستند که بگویند آقا چون این ماده مجازات ندارد و جنبه ارشادی دارد آن کس که توانائی ندارد اگر

نیامده است مانعی ندارد و ما نباید این بیچاره را تعقیب کنیم خیر مثلاً یک پیر زن نود ساله و یک بچه هفت ساله در اینجا

مکلف هستند که کمک کنند حالا اگر نیامد مجازات نمیکنند؟ در صورتیکه اینها بوظیفه خودشان حتماً آشنا هستند تا یک

آتش سوزی شد در یک جائی آنها فوراً تمام مردم را از زن و مرد و بزرگ و کوچک تا پیر مرد هشتاد ساله را مکلف

میکند برای این کار و اسباب زحمت برای مردم فراهم میشود اینجا با کمال بی طرفی ما یک قانونی وضع میکنیم و نمیدانیم

در نتیجه چه تأثیری ممکن است ایجاد شود بنابر این چون مخبر محترم کمیسیون موافقت کردند بنده هم مستغنی از

توضیحات بیشتری هستم و خواهش میکنم رأی بگیرید یا پیشنهاد را بخوانید چون آقای وزیر کشاورزی هم تشریف

آوردند .

رئیس - آقای وزیر کشاورزی هم آمدند پیشنهاد آقای

امیر تیمور دو مرتبه خوانده میشود . آقای جهانشاهی .

جهانشاهی - اجازه خواستم تذکره عرض کنم که وقتی

یک وکیل پیشنهاد داد و دولت هم قبول کرد جزء قانون میشود دیگر رأی لازم ندارد .

بعضی از نمایندگان - پیشنهاد آقای امیر تیمور دو

مرتبه خوانده شود (بشرح سابق خوانده شد)

وزیر کشاورزی - اگر این جا کمک اهالی را تقاضا

نکنند مثل این است که خانه بنده آتش گرفته است سایرین

بیایند کمک کنند وای بندہ بنشینم تماشا کنم وقتیکه جنگل آتش گرفته برای خود اهالی هم خطر دارد و مجبور هستند که بیایند و کمک بکنند در آتش نشانی و مثل سایرین کمک کنند .

رئیس - آقای سزاوار .

سزاوار - بندہ میخواهم عرض کنم اگر توجهی شود بین پیشنهاد آقای امیر تیمور با ماده هیچ اختلافی نیست برای اینکه در همان پیشنهاد هم ایشان منظورشان این است که اهالی را ارشاد کنند برای کمک و در ماده هم همانطور است و بهیچوجه برای متخلف آنها کیفری نیست و اینکه آقای منشور گفتند که ممکن است در آئین نامه بعداً کیفری معین کنند گمان میکنم که در این جا توجه فرمودند برای اینکه وقتیکه يك آئین نامه را در هیئت وزیران تصویب میکنند البته با مواد قانون تطبیق مینماید يك عملی را که قانون جرم تشخیص نداده در آئین نامه جرم تشخیص نمیدهد و بنظر بندہ با همین ماده منظور آقایان هم تأمین میشود .

رئیس - رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای امیر تیمور موافقین برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد

طوسی - پیشنهاد آقای د کتر سنک دو مرتبه قرائت میشود :-

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای د کتر سنک برخیزند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد رأی گرفته میشود بماده ۸ پیشنهادی دولت موافقین برخیزند (اء- لب برخاستند) تصویب شد . ماده ۹

ماده نهم - هر کس بواسطه اعمالی مانند کت زدن یا پی زدن درخت یا روشن کردن آتش در تنه درخت و غیره سبب خشکایدن درخت های جنگل شود بحبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه و پیرداخت غرامت از پنجاه و یک تا سیصد ریال بجزانہ دولت برای هر درختی که خشکالیده باشد محکوم خواهد شد

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - اگر بندہ این جا يك لغتی را بگویم نمی

رئیس - آقای نقابت .

نقابت - استدعا میکنم توجه فرمائید آقای اورنگ . عرض کنم که صرف کت زدن مجازات ندارد یا صرف پی زدن مجازات ندارد زیرا نوشته شده است . هر کس بواسطه اعمالی مانند کت زدن یا پی زدن درخت یا روشن کردن آتش در تنه درخت و غیره که سبب خشکایدن درخت های جنگل شود آنوقت مجازات میشود یعنی عملی که منتهی به مجازات میشود خشکایدن درخت است حالا خشکایدن درخت بچه وسیله است ؟ یکی این است که در دل درخت آتشی ایجاد میکند و آن ایافی که شیره نباتی را از زمین بیالای می کشد میسوزاند یا پوست میکند یا اثریکسیون می کند یا اختراع دیگری میکند که بوسیله آن اختراع ممکن است درخت از زمین خشک شود یا يك وسیله فراهم گردد که اینجا ذکر نشده و بهر حال آنچه چیزی که مستلزم مجازات است عملی است که کاری بکنند که موجب خشکایدن درخت شود در هر حال صرف کت زدن که منتهی بخشک کردن مجازات ندارد بنابراین وحشت از اصطلاح محلی نباید داشت زیرا که دنبالش توضیح داده است که هر اقدامی که منتهی به خشکایدن شود جرم است و این راهم که همه آقایان تصدیق دارند (پارشا - پوست کندن بنویسند) ممکن است پوست کندن یکی از شقوق آن باشد ممکن است که ریختن سموم در پای درخت یکی از شقوقش باشد کود دادن اضافه که ممکن است درخت متحمل آن نشود و منتهی بشود بخشکایدن درخت یکی از شقوقش باشد بنابراین چون نتیجه مطلوب حاصل است اشکالی ندارد فقط دو عمل فنی است یکی کت زدن که عبارت است از تیر زدن به تنه درخت و تنه درخت را از هم سوا کردن دوم پی زدن پی زدن عبارت است از ریشه زدن .

بعضی از نمایندگان - کافی است - کافی است - رأی

رئیس - آقای محیط لاریجانی .

محیط لاریجانی - کت زدن عبارت است از قطع کردن تنه درخت و تنه درخت را جدا کردن و با اصطلاح محلی کت

زدن معروف است دوم پی زدن پی زدن عبارت است از ریشه زدن ریشه هائی که شاه ریشه درخت است کسی که مقصود دارد و میداند اگر دو شاه ریشه درخت را بزند درخت خشک میشود چون درخت از ریشه تغذیه میکند و از تنه درخت هم که کت بزند این هر دو موجب خشک شدن درخت است

رئیس - رأی گرفته میشود بماده نهم موافقین با ماده نهم برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد . ماده دهم ماده دهم - قطع شاخه های بزرگ درخت های جنگل بجز در مواردی که این قانون استثناء کرده است ممنوع است و متخلف پیرداخت دو تا پنج ریال بجزانہ دولت برای هر شاخه که بریده است محکوم خواهد شد .

تبصره - شاخه بزرگ شاخه ای است که قطر آن در محل اتصال به تنه درخت بیش از هشت سانتیمتر باشد .

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - بندہ همانطور که در مواد قبل مجازات را برای متخلفین یا تکالیف را برای مردم زیاد و غیر وارد میدانستم در این ماده قطع شاخه درخت را که فقط دو ریال جریمه معین کرده اند که شاخه بزرگ را ۲ تا ۵ ریال جریمه قائل شده اند جریمه اش را کم میدانم فرض فرمائید که در بعضی جاها غالباً اشجار صنعتی در آن جا پیدا میشود و شاید از نقطه نظر صنعت دو یست تومان قیمتش میشود و یا پانصد تومان قیمتش میشود و يك کسی ممکن است از نقطه نظر صنعت یا از نظر سوء نیت بیاید و چهار تا شاه شاخه درخت را قطع کند آنوقت چهار دو ریال بشمامیدهد مرحمت زیاد . بعقیده بندہ این ماده با این طرز نقض غرض میشود بندہ خواهش میکنم همانطور که آقای وزیر کشاورزی درمواد دیگر پافشاری میکنند این جاهم نقض غرض نکنند در این جا هم يك نظری بگیرند که اشتباه زحمت و از بین بردن درخت ها نشود و همانطور که آقای مخبر کمیسیون دادگستری آقای نقابت هم فرمودند بیشتر قوانین منظور ارشاد است قطع بکن و دو قران جریمه اش را بده يك چنین ارشادی را مجلس اجازه ندهد بندہ استدعا میکنم موافقت

بفرمایند اصلاً این ماده حذف شود این ماده یا یک مجازات بیشتری برایش قائل شوند و از این ارشاد ضمنی جلوگیری بفرمایند و مقصود جلب نظر آقای وزیر کشاورزی بود که توضیح بفرمایند.

وزیر کشاورزی - البته ممکن است بطوریکه آقای امیر تیمور فرمودند یک سوء استفاده هائی هم بشود یعنی این دو ریال که ما پیشنهاد کردیم به مجلس برای خسارت این عمل کافی نباشد ولی چون ممکن است در یک درخت چندین شاخه بریده شود در واقع میزان جرائمی که گرفته میشود چندین برابر این دو ریال است از آنطرف منظور ما از شاخه غیر از تنه درخت است ممکن است تنه درخت را ببرند آن شاخه نمیشود ولی شاخه آن است که روی آن تنه های درخت چسبیده و بیش از هشت سانتیمتر نباشد و اگر آقایان تصور میفرمایند این میزان کافی نیست زیادتر پیشنهاد کنند بنده هم موافقت میکنم

رئیس - آقای انوار

انوار - اینجا بنده اولاً از آقای امیر تیمور که آن جنبه ارفاقی را دارند قدری گله دارم ثانیاً این دست همه را بسته است زیرا اینجا بطور کلی شاخه های بزرگ درخت را گفته است اگر جنگل جنگل دولتی باشد بلی ممنوع است ولی اگر جنگل شخصی خودش است نزدیک خانه خودش واقع شده است شخصی که جنگل مال خودش است البته میتواند شاخه را قطع کند و اگر با آن بریدن درخت ناقص میشود البته درخت خودش را ناقص نمیکند و بنده در اینجا نظر دارم که نوشته شود جنگل دولتی و در جنگل شخصی خودش عیبی ندارد

وزیر کشاورزی - اولاً چندین بار بنده تذکر دادم که استثناء نشده است یعنی دولتی و غیر دولتی تفاوت ندارد منتهی مواردی که برای تهیه هیزم و سوخت لازم است دولت تعیین میکنند که مجاز است بنا بر این آنچه برای مصرف عملی است اگر کمتر از هشت سانتیمتر باشد مانعی ندارد و از طرف دیگر این قانون کلی است دولتی و غیر دولتی

ندارد زیرا برای حفظ جنگل است و توضیح هائش را هم بعرض آقایان رساندم

رئیس - آقای اورنگ

اورنگ - بنده عرضی ندارم (بعضی از نمایندگان کافی است رأی بگیرید)

رضوی - بنده عرض دارم

رئیس - بفرمائید

رضوی - این مجازات که اینجا معین شده برای بعضیها بنظر بنده زیاد است و برای بعضیها بطوریکه آقای امیر تیمور فرمودند کم است. مثلاً صاحب جنگل اگر تصرفی در جنگل خودش بکند و شاخه ای را ببرد مجازاتش اصلاً زیاد است و بنظر بنده این عمل مجازات ندارد ولی درختهای صنعتی اگر قطع شود گمان میکنم که مجازاتش کم باشد بنده عقیده دارم که نسبت به درختهای غیر صنعتی در جنگلهای شخصی یک استثنائی شود و در نسبت به درختهای صنعتی یک قدری مجازات را زیاد تر قرار بدهند که سوء استفاده نشود. باینجهت بنده پیشنهاد میکنم که مجازات زیادتری در نظر گرفته شود.

امیر تیمور - بنده پیشنهادی تقدیم میکنم.

رئیس - آقای طالش.

طالش - این ماده که دولت پیشنهاد کرده است بهترین فکری است که کرده اند اصلاً چرا شاخه را میبرند آن شاخه که باین قطر معین شده است اصلاً قابل بریدن نیست لذا بنده استدعا میکنم با همان ماده که دولت پیشنهاد کرده است آقایان موافقت بفرمایند.

پیشنهاد آقای امیر تیمور.

پیشنهاد میکنم ماده ۱۰ بطریق ذیل اصلاح شود.

ماده ۱۰ - قطع شاخه های بزرگ درخت جنگلهای بجز در مواردیکه این قانون استثناء کرده ممنوع است و متخلف به پرداخت غرامت محکوم میشود.

امیر تیمور - بنده منظورم از این پیشنهاد و عریاضی که کردم فقط برای این است که از قطع اشجار صنعتی جلوگیری

شود و برای آنها مجوزی در دستشان نباشد که اشجار را قطع کنند و یک جرائم کوچکی باشد که با پرداخت آن این عمل را بکنند و اینکه بنده پیشنهاد کرده ام و جریمه را معین نکرده ام و پرداخت غرامت نوشته ام برای این است که معلوم میشود که این شاخه صنعتی دارای چه قیمتی است ممکن است دو قران جریمه اش بشود یا پنج قران یا بیشتر همانطور که در موارد دیگر جنگل خبره دارد در محل و خود اهالی محل هم خبر ویت دارند که این درخت صنعتی دارای چه قیمتی است و بهر یک از اهالی آنجا مراجعه کنند قیمت آنرا میدانند که چقدر است بنابراین اشکالی ندارد و اینطور باشد بهتر است.

مخبر - عرض کنم پیشنهاد آقای امیر تیمور بسیار خوب و بجا است و متناسب است با ضروری که به جنگل وارد میشود ولی یک عیبی دارد چون این قانون را تصدیق میفرمائید که یک عمل ابتدائی است چون مردم گیلان و سایر جاهای ایران و کسانی که از جنگل استفاده میکنند از مقررات قانون بی اطلاعند و با بی اطلاعی مردم بنده میترسم اسباب زحمت زیادی برای مردم فراهم شود و دولت مجبور شود بر اثر شکایات مردم قانون را اصلاح کند بنا بر این استدعا میکنم پیشنهادشانرا مسترد فرمائید و با همین ترتیب که دولت پیشنهاد کرده و در کمیسیون هم مطالعه شده موافقت بفرمایند.

امیر تیمور - بنده مسترد میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود بماده دهم آقایان موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده یازدهم

ماده ۱۱ - در جنگلهائی که سوخته و یا از آنها بهره برداری شده و بموجب آگهی های منتشر از طرف وزارت کشاورزی حدود آنها معین گردیده چرای دام تا مدت یازده سال ممنوع است - متخلف پرداخت غرامت از پنجاه و یک تا پنجاه و پنج ریال بجزانه دولت محکوم خواهد شد.

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - در این ماده بنظر بنده یک اجمالی میرسد که لازم

است آقای وزیر کشاورزی توجه بفرمایند این قانون مربوط است بعموم جنگل ها و البته آقای وزیر کشاورزی متوجه شده اند که یک قسمت از جنگل ها متعلق بدولت است یک قسمت از آنها متعلق به اشخاص است و مالک خاص این قاعده برای تمام جنگل ها معین شده استثنائی نیز بین جنگل متعلق بدولت یا اشخاص بنا بر این حدی را که معین می کنند ممکن است آن حد مالک خصوصی داشته باشد که این مالک خاص دارای ده تا گوسفند است ده تا گاو است ده تا دام دیگر است حالاً مطابق این قانون ممنوع است که در آن محل معینه که آتش سوزی و یا بهره برداری شده چرای دام در آن محل بشود عرض میکنم این مالک خصوصی که ده تا گوسفند دارد اینها را باید از آن حد خارج کنند که برود در یک جایی خارج از این حد مسئله چرا را که میدانید اگر گوسفند ندارید البته دیده اید این گوسفند همینطور که راه می رود میچرد و می رود دم هانش را که نمیشود بست این حال چراست وقتی هم که بر میگردد بهمین حال چرا بر میگردد میخواستم به بینم این حال و این رفت آمد هم جزو ماده است که باید مجازات شود یا مستثنی است و اگر اجازه بفرمائید بنده یک تبصره تقدیم میکنم که رقتن و بر گشتن دام از این محل بمحل دیگر برای چرا مستثنی است و جزو ماده نخواهد بود والسلام والا کرام.

وزیر کشاورزی - سهیل آقای اوحدی کاملاً صحیح

است اولاً بنده عرض میکنم همینطور که چندین مرتبه عرض کردم این قانون مربوط به جنگل دولتی و غیر دولتی نیست این را یک مرتبه تمام کنیم که دیگر تکرار نشود این قانون جنبه عمومی دارد خواه مال دولت خواه مال موقوفه خواه مال مردم عموم جنگلها بعد از این باید مطابق این قانون عمل شود اما جنگلی که سوخته یا بهره برداری شده است تقسیم که تا مدت یازده سال از چرا معاف باشد کتب آن شاخه های جوان نمو کند البته این ایراد هم وارد است ولی نظر ما این است که در این قبیل جنگلها که سوخته یک حدی را معین میکنیم که گله هائی که برای چرا میروند

از آن محل بروند چرا و برگردانند و مثلاً پنجاه متر صد متر معین میکنیم بسته بوسعت آن منطقه که از آن جاده معینه بتوانند عبور کنند و از حد خارج نشوند اصلاً نظر ما هم همین است.

رئیس - آقای امیر تیمور .

امیر تیمور - بنده مقصود از این ماده را نفهمیدم چون اینجا ذکر میکند در جنگل هائی که سوخته یا از آنها بهره برداری شده بموجب آگهی ممنوع است و متخلف به پرداخت فلان قدر محکوم خواهد شد چرا چرا ممنوع است باید علتش ذکر شود ، معلوم شود آیا برای این است که اگر یک جنگلی از بین می رود در آنجا دو مرتبه ایجاد جنگل میشود بنده کاملاً موافقم ولی باید این جا توضیح داده شود و الا اگر جائی هست که جنگل سوخته شده و صاف شده و پاک شده و جنگل هم ایجاد نشده چرا مانع میشوند که مردم استفاده کنند ولی البته اگر از نو میخواهند ایجاد جنگل بکنند بنده کاملاً موافقم ولی بایستی توضیح داده شود

وزیر کشاورزی - وقتی که یک جنگلی سوخت یا بهره برداری شد بهره جبهه ممکن است که در آنجا ها جنگل احداث شود یکی اینکه اگر هوا مساعد شد خود جنگل میروید و جنگل احداث میشود برای اینکه ممکن است که ریشه اش سوخته باشد و از بین نرفته باشد ولی اگر چرای دام در این جنگل ها آزاد باشد گاو و گوسفند و مخصوصاً بز که بزرگترین خطر را برای جنگل دارد دیگر نمیگذارند جنگل نمو بکنند و تمام شاخه هائی که تازه روئیده شده میچرند این است که اینطور پیش بینی شده .

امیر تیمور - بنده هم موافقم با این ماده .

رئیس - آقای انوار .

انوار - عرض میکنم در اینجا نوشته است پانزده سال و این مدت عبور کله را ممنوع بکنند بعقیده بنده زیاد است ده سال معین کنید بهتر است

وزیر کشاورزی - ما این پانزده سال را که معین کردیم

از نظر این است که درخت در این مدت باندازه کافی نمو کند و بتوانند درخت بکارند
رئیس - یک سؤالی هم بکنید از وزیر کشاورزی دارم . پانزده سال زیاد نیست ؟

نقابت - بنده پیشنهاد کردم که بجای مدت پانزده سال قید کنیم تا مدتی که وزارت کشاورزی مقتضی میدانند و آگهی منتشر کند .

وزیر کشاورزی - بسیار خوب

رئیس - آقای طالش

طالش - بنده عقیده دارم که پانزده سال کم است و بایستی بیشتر شود ولی اینجا پیشنهادی را که آقای نقابت می کنند چون تا هر وقت که دولت مقتضی بداند خوبست و نظر بنده هم تأمین میشود .

پیشنهاد آقای اوحدی

بنده تبصره زیر را بماده یازده پیشنهاد میکنم

تبصره - جنگل های سوخته و یا بهره برداری شده که مالک خصوصی دارد عبور دامهای مالکین برای چرای در خارج حد مجاز خواهند بود .

وزیر کشاورزی - این پیشنهاد را نمیشود قبول کرد اگر بنا باشد عبور آزاد باشد این ماده قانون فایده ندارد بنا بر این بهتر این است که آقای اوحدی پیشنهاد خودشان را مسترد فرمایند

اوحدی - بنده درست ملتفت توضیح آقای وزیر کشاورزی نشدم که مسترد کنم پیشنهاد خودم را یا نکنم
وزیر کشاورزی - عرض میکنم یک جنگلی سوخته است آقا میفرمائید که در مدت پانزده سال یک کله ده بیست هزار گوسفند صبح وعصر از این جا برود و بیاید آنوقت برای این جنگل چه میماند ؟

اوحدی - پس میگیرم

رئیس - پیشنهاد آقای انوار

انوار - پیشنهادی که آقای نقابت کردند بنده موافقم با آن پیشنهاد

پیشنهاد آقای نقابت

تا مدتی که وزیر کشاورزی مقتضی بداند و آگهی نماید
وزیر کشاورزی - بنده هم موافقم

رئیس - موافقین با ماده یازده با این قسمت اصلاح شده برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده دوازدهم ماده ۱۲ - نسبت به بزه های مذکور در این قانون مأمورین جنگلبانی وزارت کشاورزی جزء ضابطین داد گستری بشمار آمده و گزارش آنها مطابق تکالیفی که در فصل دوم از باب یکم قانون آئین دادرسی کیفری معین شده معتبر خواهد بود

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - طبق این ماده مجلس اجازه میدهد که گزارش مأمورین جنگلبانی و کشاورزی حکم گزارش داد گستری را دارد و گزارش آنها هم معتبر خواهد بود و دارای اثرات قانونی است یعنی مطابق گزارش آن مأمور ممکن است حبس شود و جریمه شود و ممکن است متخلف شناخته شود البته وزیر کشاورزی هم جز اتخاذ این طریق برای اجرای این دستور وسیله ندارد بنده در آن باب عرضی نمیکنم بلکه موافق هم هستم ولی اگر معلوم شد که یک مأموری برای استفاده شخصی گزارش داده و اسباب زحمت یک بیچاره شده است و معلوم شود که گزارش این مأمور برخلاف واقع یا برای نفع شخصی بوده آن مأمور از خدمت منفصل شود

وزیر کشاورزی - در قانونی که ما پیشنهاد کرده بودیم پیش بینی کرده بودیم که اگر مأموری یک گزارش برخلاف واقع داد یک مجازاتی برای آنها قائل بشویم دیدیم در قوانین فعلی یک کیفر هائی برای مأمورین دولت هست که اگر برای استفاده شخصی یا اضرار کسی راپرتی بدهند یک مجازات هائی قائل شده اند این است که اینجا ننوشته ایم و همان مواد کفایت میکند و دیگر لزومی ندارد

امیر تیمور - با این توضیح آقای وزیر کشاورزی نظر بنده تأمین است ولی خواهش میکنم که آقای مخبره کمیسیون

داد گستری هم يك توضیحی بفرمایند که اگر مأموری بر خلاف واقع يك گزارشی داده و بر اثر گزارش او يك بیچاره بزحمت افتاده است و در قوانین دیگر مجازاتی برای آنها قائل شده اند آنوقت نظر بنده کاملاً تأمین میشود

رئیس - آقای منشور

منشور - این ماده دوازده بعقیده بنده موزدی ندارد برای اینکه مامورین جنگلبانی را نمیدانیم چه اشخاصی هستند و در کدام مدرسه جنگلبانی تحصیل کرده اند که ما بخواهیم گزارش آنها را جزء گزارش ضابطین عدلیه بیآوریم و البته مطابق قوانین جزائی يك راپرتی که مأمور قضائی داد در حکم سند رسمی است و باید آن شخص برود در محکمه و مدت ها وقت تلف کند تا محکوم شود یا برائت حاصل کند دلیلی که بنده دارم این است که در ماده ۹ ذکر شده است (هر کس بواسطه اعمالی مانند کت زدن یا پی زدن درخت یا روشن کردن آتش در تنه درخت و غیره سبب خشکانیدن درختهای جنگل شود) فرض بفرمائید يك کسی آمد يك درختی را کت زد و رفت پنجاه شش ماه از این عمل گذشت مأمور می آید می بیند که این درخت خشک شده است بنده نمیدانم حالا بعد از پنج شش ماه آن کسی که اسباب خشک شدن درخت شده است یا بوسیله کت زدن یا بوسیله آتش روشن کردن از کجا پیدا میکند و حالا آمده است تازه میگوید من در جنگل فلان وقت کشیک میدادم و رد شدم فلان عابر یا فلان زارع بواسطه آتشی که روشن کرده بود این درخت را سوزانده است در صورتیکه این شخص را که متهم باین عمل کرده اصلاً خبر از این قضیه ندارد بنا بر این بایستی برای این کار مأمورین با صلاحیتی تربیت کنید که بدون جبهه مزاحم کسی نشوند بنا بر این بعقیده بنده ذکر این ماده در این قانون از روی ندارد

وزیر کشاورزی - نظر آقای منشور تأمین شده و بنده هم توضیح دادم در موقعی که شور اول قانون بود ما برای جنگلبانی فعلاً دو مدرسه داریم يك مدرسه کشاورزی که دبیرستان را که تمام کردند می رود آنجا و یکی هم مدرسه که يك

مهندس که اشخاصی که سه ساله دبیرستان را تمام کرده اند با آنجا میروند و جنگلبانهای که از این دو دسته هستند - تحصیلاتشان بنظر بنده خوبست و اسباب نگرانی نیست و اینکه فرمودند ممکن است که يك مأموری بجهت اسباب مزاحمت شود و بگوید شش ماه پدش فلانکس این درخت را اینطور کرد این عمل خودش قابل مجازات است بنا بر این نگرانی نیست و اگر این ماده نباشد اساساً هیچ ماده راجع بجلو گیری و تخریب جنگل ما نداریم

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - وقتی که مذاکره میشود باینکه مأمور جنگل بانی جزء مأمورین ضابطین تصور میکنند آقایان شنوندگان که ضابطین عدلیه حتماً و وجوباً و لزوماً بایستی در مدرسه حقوق تحصیل کرده باشند و دارای دیپلم باشند این اشتباه است همه ضابطین عدلیه يك سنخ نیستند ژاندارمری و امنیه ضابط عدلیه است کلیه آژان و پاسبان ها ضابطین عدلیه هستند مأمورین جنگلبانی هم ضابطین عدلیه هستند نتیجه برای توجه دعوا و تعقیب آن گزارش است که بوسیله آنها بمقام صلاحیت دار تقدیم میشود این فقط برای تعقیب است حالا میخواهد این آدم درس خوانده باشد یا نخوانده باشد سواد داشته باشد یا نداشته باشد این گزارش که موجب محکومیت نخواهد بود صرف گزارش آنها مورد تصدیق نخواهد بود این همه درجات در دستگاه قضائی برای چه بوده چون باید برود در پار که مستنطق تحقیقات بکنند حکمی هم که رئیس داد گاه میدهد او هم تازه مؤثر نیست و باید برود در جای دیگر که استیناف میگویند او هم باز این قدرها مؤثر نیست مگر اینکه برود در دیوان کشور و آنجا ابرام شود خیال میکنید که همینطور يك آژان یا يك امنیه یا يك مأمور جنگلبانی راپرتی داده همان است که او گفته خیر آقا اینطور نیست حالا اگر این مأمور برخلاف گزارش داد برخلاف هم محقق است و مسلم است و ثابت است که اگر يك مأموری برخلاف واقع گزارش داد او را تعقیب میکنند و يك مجازاتی هم دارد که

بر جای خودش معلوم است من علاوه میکنم که حالا آقای وزیر کشاورزی قبل از اینکه قانون جنگلش را بگذراند دانشکده اش را تأسیس کرده است و آنجا شاگردان در آنجا هستند منتظرند که فردا آنها را بفرستند بجنگل و هیچ نگرانی نیست بنا بر این بنده خواهش میکنم که آقایان هم موافقت کنند و این ماده همانطور که هست تصویب گردد

پیشنهاد آقای امیر تیمور

چنانچه گزارش مأمورین جنگل معلوم شود برخلاف واقع یا برای استفاده بوده است آن مأمور محکوم بانفصال از خدمت خواهد بود

امیر تیمور - بنده این پیشنهادی را که کرده ام مسترد میکنم و با پیشنهادی که آقای نقابت کرده اند موافقت میکنم پیشنهاد آقای نقابت

تبصره - در صورتیکه گزارش مأمورین برخلاف واقع و برای نفع شخصی یا اعمال غرض بوده باشد مأمور گزارش دهنده بدو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش خلاف واقع بوده است محکوم خواهد شد

نقابت مخبر کمیسیون داد گسترى - این پیشنهاد را آقای امیر تیمور و بنده امضاء کرده ایم و قبلاً هم موافقت آقای وزیر را جلب کرده ایم علتش هم این است گزارشى که مأمور میدهد ممکن است برخلاف واقع یا از روی غرض شخصی باشد این برای این است که گزارش دهنده برخلاف واقع مجازات شود که بعد از این حرف نارسا نزنند (یکی از نمایندگان در ماده سیزده پیشنهاد کنید) اینکه میفرمائید محلس ماده سیزده است ماده سیزده میگوید مأمور جنگل باید در اجرای مقررات این قانون مراقبت نمایند اما اینجا صحبت گزارش است و محلی است که مأمور بمأموران ضابط داد گسترى معرفی میشود و کسی که بمأموران ضابط داد گسترى معرفی میشود ناچار باید این تکلیف قانونی را هم داشته باشد

رئیس - آقای وزیر کشاورزی موافقت با این پیشنهاد

وزیر کشاورزی - بله موافقم

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده دوازدهم با این تبصره که آقای وزیر هم موافقت کردند موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد ماده سیزدهم

ماده ۱۳ - هر گاه مأمورین جنگل بانسی در اجرای مقررات این قانون و آئین نامه های مربوطه مراقبت کامل نمایند و متخلفین از مقررات قانون را تعقیب نکنند بحسب تأدیبهی از يك تا سه ماه محکوم خواهند شد .

رئیس - آقای انوار

انوار - بنده اساساً با این ماده مخالفم برای خاطر اینکه ما برای مأمورین متخلف در قوانین عدلیه تکلیفی معین کرده ایم و تمام موارد را معین کرده ایم حالا در اینجا هم يك ماده مخصوصی ذکر کردن این بعقیده بنده معنی ندارد مادر يك ماده معین کردیم که مأمورین جنگل بانی جزء ضابطین عدلیه هستند حالا خواه مأمور جنگل بانی باشد یا مأمورین دیگر چون قید شده است دیگر اینجا لازم نیست که ماده علیحده ذکر شود من تعجب از آقای نقابت دارم با این تبجری که در قانون دارد باید طوری کنیم که قوانین يك نواخت باشد در آن ماده قانون آئین کیفری تکلیف این مأمورین معین شده است حالا دیگر چه لزومی دارد که در اینجا هم ما يك ماده قانون علیحده ذکر کنیم .

رئیس - آقای نقابت .

نقابت - عرض کنم فقط يك تأسف هست آقای انوار ما که وقتی يك نکته را میفرمائید و میبایستی جواب داده شود بنده که این جا می آیم می بینم همه آقایان با هم صحبت میکنند و توجه نمیکنند اگر آقایان توجه بفرمایند التفات میفرمایند که ما نمیخواهیم قوانین را بهم بزینم اصولاً کسی که ضابط عدلیه است کسی که مستنطق است کسی که مأمور شهربانی است کسی که وکیل عمومی است تا برسد بآن کسی که سمت دادستانی دارد اگر کسی را خیال کردند از راست گرفتند و تعقیب کردند دیدند دزد نیست این اشخاص تعقیب نمیشوند برای اینکه اگر کسی تعقیب شد و منتهی شد آن تعقیب بحکم برائت آن متهم بخواهند از سر بگیرند

و همه را تعقیب کنند دیگر کسی زیر بار این قبیل کارها نمیرود در صورتی میتوانیم آنها را تعقیب کنیم که اعمال آنها از نظر غرض دزدی و برای جلب نفع شخصی بوده است آنوقت البته آن تعقیبی را که از نظر نفع شخصی و از لحاظ غرض کرده اند البته قابل تعقیب است . این جا ما میگوئیم مأمورین جنگلبانی ضابطین داد گسترى هستند امتیاز ضابطین داد گسترى در حدود قانون فقط این است که گزارش اوضوحیح است تا خلاف آن ثابت شود اصل صحت است تا خلاف آن ثابت شود این موضوع صحیح است و در قوانین سابق کاملاً مشخص است ولى يك مبانی دیگری است که ما بایستی بآن مبانی هم توجه کنیم ما این جا میخواستیم بگوئیم که هر مأموری که در وظیفه خودش مسامحه بکند نگاه کند به بیند درختی را سحارند قطع میکنند و بگوید شتر دیدی ندیدی او را ول کند و برود این متخلف است یکوقت در مقابل این مسامحه استفاده هم میکند و از طرف پول هم میگیرد آنوقت طرفین راشی و مترشی محسوب میشوند و تعقیب میشوند در دیوان جزا بطوریکه آقای انوار اشاره کردند و بگوئیم يك وقتى رفیق هستند با هم دیگر و مأمور جنگل سست عنصری میکند و طرف را ول میکند و وظیفه خودش را اعمال نمیکند این مسئولیت اداری دارد و مطابق قانون مسامحه از وظیفه جنبه است و باید تعقیب شود اما در خلال این عمل اگر جرم دیگری هم کرد که شدیدتر بود یا رشوه گرفت جرمی که باو تعلق میگیرد شدیدتر است و البته مجازاتش هم متناسب آن جرم شدیدتر خواهد بود و بنابراین این ماده مخالفتی با قوانین دیگر ندارد و خوب است آقا هم موافقت بفرمایند .

رئیس - آقای انوار .

انوار - استدعا میکنم آقایان توجه بعرض بنده بفرمایند و به زرنگی و خوش بیانی آقای نقابت تحت تأثیر واقع نشوند شما آمدید يك قسمتی را بیان کردید که آن مورد ابداً مورد توجه نبود شما آمدید گفتید که اگر يك مأمور جنگل گزارش داد که کسی درخت کنده و بعد آن

مقرر تبرییه شد دیگر نباید آن مأمور جنگل را چون ما این جا اورا سمت ضابط عدلیه دادیم مورد تعقیب قرار بدهند بنده نگفتم که اورا مجازات نکنید بنده میگویم مطابق این ماده قانون که میگوید: هر گاه مأمورین جنگلبانی در اجرای مقررات این قانون و آئین نامه های مربوطه مراقبت کامل نمایند و متخلفین از مقررات این قانون را تعقیب نکنند بحسب تأدیبی از يك تا سه ماه محکوم خواهند شد یعنی اگر عمل بوظیفه خودشان نکنند بموجب این ماده تعقیب میشوند بنده عرض کردم در قوانین جزائی ما معین شده است که اگر مأموری بوظیفه خودش عمل نکند مجازات میشود و حتی در قوانین جزائی تکلیف این کار معین شده است و کیفرشان را معین کرده اند ذکر کردن يك ماده علیحده در این قانون معنی ندارد که باینوسیله ما بیائیم يك نواخت بودن قوانین جزائی را بهم برزیم چه فرقی دارد يك مأمور جنگل با يك مأمور مالی که در کار خودش مسامحه کند و تخلف کند؟ تخلف از قانون سه مرتبه دارد خلاف است و جنحه است و جنایت و هر کدامش تکلیف مجازاتش معین است و هر چیزی را برایش يك قانون علیحده آوردن معنی ندارد بموجب این قانون او موظف است کار خودش را بکند این جا مینویسد اگر او از وظیفه خودش تخلف کرد بموجب این ماده مجازات میشود بنده هم قبول دارم ولی کیفر متخلف در قانون دیگر معین شده و ماده مخصوص و علیحده نمیخواهد.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود. پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان:

پیشنهاد میشود هشت ماه حبس تأدیبی و در صورت تکرار انفصال از شغل جنگلبانی.

رئیس - آقای فرمانفرمائیان.

فرمانفرمائیان - این نظر را در کمیسیون کشاورزی هم بنده عرض کردم آقای وزیر کشاورزی هم تشریف داشتند بعقیده بنده برای این کار باید مجازات بیشتری معین شود

چون جنگلبانها در شهرها نیست در صحرا است و دور دست هستند و ایفاء وظیفه در جائی میکند که چندان کسی نیست وقتی شما گزارش مأمور جنگل را رسمیت میدید وقتی که او گزارش داد جریان قانونی پیدا میکند بعقیده بنده مجازاتش باید شدیدتر باشد از این جهت بنده پیشنهاد کردم شش ماه حبس تأدیبی و اگر تکرار شود بانفصال ابد از خدمات دولتی محکوم شود.

نقابت - با این پیشنهاد آقای فرمانفرمائیان نمی شود موافقت کرد برای این که شدت مجازات همیشه باید متناسب با جرم باشد و این مجازاتی که در این ماده معین شده است بعقیده بنده کافی است البته همانطور که عرض کردم اگر تخلف او مستلزم مجازات بیشتری باشد مطابق قوانین جزائی بآن مجازات بیشتر محکوم میشود و در مورد تکرار جرم هم البته خود محکمه طبق مقررات جزائی مجازات بیشتر در نظر میگیرد بنا بر این بهتر است که آقای فرمانفرمائیان هم پیشنهاد خودش را پس بگیرند.

فرمانفرمائیان - مسترد میکنم.

رئیس - رأی گرفته میشود به ماده سیزدهم موافقین برخیزند (اغلب برخاستند) تصویب شد. ماده چهاردهم. ماده چهاردهم - آئین نامه های مربوط با اجرای این قانون را وزارت کشاورزی تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا خواهد گذارد. وزارت کشاورزی مجاز است که به متخلفین از مواد آئین نامه های این قانون تامدتی که مقتضی بداند پروانه قطع درخت ندهد.

رئیس - آقای امیر تیمور.

امیر تیمور - اگر آقای وزیر کشاورزی مصلحت میدانند و برایشان مانعی نباشد يك جمله اضافه شود که این آئین نامه با تصویب کمیسیون کشاورزی مجلس شورای ملی بموقع اجرا گذارده شود و اگر زحمتی است که عرضی ندارم **وزیر کشاورزی** - بنظر بنده تصویب هیئت وزیران کافی است چون آئین نامه هم مفصل است ممکن است مدتی طول بکشد خوب است آقا هم موافقت بفرمایند که

در هیئت وزیران تصویب شود و بموقع اجرا گذارده شود **رئیس** - موافقین با ماده چهاردهم برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده پانزدهم:

ماده پانزدهم - مواد ۲ و ۴ و ۱۰ این قانون درحوزه هائی که وزارت کشاورزی اجرای آن را لازم بداند یکماه پس از آگاهی در هر حوزه قابل اجراست

رئیس - موافقین با ماده ۱۵ برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده ۱۶

ماده شانزدهم - هیچیک از مأمورین جنگلبانی در حوزه مأموریت خود حق نخواهند داشت مستقیماً یا بواسطه دیگری بمعاملات بازرگانی چوب مبادرت کنند - اقوام طبقه اول و دوم آن ها نیز مشمول این حکم خواهند بود **رئیس** - آقای دکتر طاهری

دکتر طاهری - بنده با این ماده موافقم فقط منظوم این است که اگر آقای وزیر کشاورزی قبول بفرمایند این جمله (در حوزه مأموریت را) بردارند چون ممکن است مأمورین جنگلبانی با هم تباخی کنند هر کدام در قسمتهای دیگر مشغول معامله چوب شوند

وزیر کشاورزی - بنده موافقم با حذف این جمله

رئیس - موافقین با این ماده با حذف عبارتی که موافقت شد برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد ماده ۱۷:

ماده هفدهم - در جنگلهائی که اقدام به بهره برداری و قطع اشجار میشود مالکین باید مطابق دستور وزارت کشاورزی درخت کاری نمایند و نیز در جنگلهای دولتی و بلاصاحب دولت مستقیماً مکلف بانجام مقررات این ماده می باشد.

رئیس - آقای امیر تیمور

امیر تیمور - الا آن چند دقیقه قبل خود آقای وزیر کشاورزی در جواب بنده فرمودند که بعضی از قطعات جنگل که اشجارش قطع میشود یا برطرف میشود بواسطه موقعیت طبیعی و تأثیر آب و هوا خود بخود بشکل اول درمیآید و

محتاج بدرختکاری نیست ولی در این جا مکلف کرده اند که هر جا درخت قطع میشود صاحبان جنگل و مردم باید بدستور وزارت کشاورزی درختکاری نمایند و این دو موضوع با هم جور در نمی آید

وزیر کشاورزی - متأسفانه بطور کلی درختهای مرغوب و صنعتی خود رو نیستند و باید آن ها را کاشت و این قسمتی که در این جا نوشته شده بیشتر از این نظر است و در جاهائی که درختهای صنعتی داشته باید درختکاری شود

امیر تیمور - پس خود دولت هم باید این کار را بکند **مخبر کمیسیون کشاورزی** - این تکلیف برای دولت در خود ماده هست

رئیس - موافقین با ماده هفدهم برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده هجدهم

ماده هجدهم - مقررات کیفری مربوط باین موضوع در قسمتی که مخالف این قانون است نسخ میشود

رئیس - آقای نقابت

نقابت - این ماده ۱۸ يك مطلب خلاف اصلی دارد و خواهش میکنم آقای وزیر توضیح بفرمایند که این منظور چیست.

وزیر کشاورزی - وقتی که ما این قانون را پیشنهاد میکردیم سعی کردیم به بدینم در تمام قوانینی که در این سی ساله راجع بمقررات کیفری هست مقرراتی برای کسانی که جنگل را بسوزانند و ازین بپزند هست یا خبر دیدیم فقط يك ماده ۲۵۰ در آن قانون هست که هر کس کشتی و جنگل را آتش بزند به فلان مجازات محکوم می شود کشتی و جنگل نمیدانم با هم چه مناسبت دارند؟ جنگل را ممکن است هزار جور ازین برد در سابق این مسائل اصلاً مورد نظر نبود حالا ما آمده ایم از روی مطالعه يك قانونی پیشنهاد کرده ایم و برای هر يك از انواع این عمل يك مجازاتی قائل شده ایم و ضمناً در این ماده پیشنهاد کرده ایم که اگر قوانینی برخلاف مقررات کیفری که در این قانون ذکر شده است باشد در قسمتی که مربوط به جنگل است نسخ میشود

چون وقتی يك کسی يك کشتی را بسوزاند با کسی که در مازندراب يك جنگلی را بسوزاند تناسبی باهم ندارد که مجازات او يك جور معین شود

رئیس - آقای نقابت

روحی - مذاکرات کافی است. رأی بگیریید. آقای نقابت خودشان که مخبر کمیسیون هستند مخالفت میکنند

نقابت - تصور میکنم آقای روحی بنده حرف مزخرف نمیزنم توجه بفرمائید اول که میدانید چه میخواهم بگویم بعد که گفتم بگوئید مخبر کمیسیون چرا مخالف است مخبر البته نظر کمیسیون را بعرض میرساند و مراقبت میکند که يك مطلبی را که اشکالی درش پیدا می شود توضیح بدهد که دچار اشکال نشود حالا از کجا این عیب پیدا شده است چون ماده آخر است عرض میکنم. این لایحه در کمیسیون داد گستری و کمیسیون کشاورزی مطرح شد و خبر شور اول آن آمد به مجلس و هر دو کمیسیون نظر دادند ولی در شور دوم در کمیسیون کشاورزی بدون این که نظر کمیسیون داد گستری را بخواند نظر داد و به این جهت کمیسیون داد گستری نظر متممی در شور دوم در این قضیه نداده لهذا به بنده هم بحثی نیست. این جا قید میشود که مقررات کیفری که مخالف این قانون باشد نسخ میشود یعنی مقصود آقای وزیر کشاورزی این است که در مورد بخصوص این قانون اجرا نشود با این ترتیب نسخ میشود و در این جا اگر باین ترتیب تصویب کند مسامحه است و بایستی نوشته شود مقررات کیفری مربوط باین موضوع در قسمتی که مخالف این قانون است و در مورد جرائم مذکور در این قانون اجرا نمیشود (صحیح است)

رئیس - آقای سزاوار

سزاوار - بنظر بنده این توضیحی که آقای نقابت دادید صحیح است ولی چیزی که هست در قسمت اخیرش که فرمودند بنویسیم اجرا نمیشود این درست نیست برای این که ما نمیتوانیم يك قانونی داشته باشیم که در تمام کشور اجرا شود ولی در این مورد بگوئیم که بلا اثر است و اجرا

نمیشود و در اینجا استثنا است این نمیشود زیرا که تا وقتی قانونی هست نمیشود گفت قاضی آن مواد را در نظر بگیرد ولی تطبیق کند با مقررات مربوط به قانون جنگلبانی و اگر قانونی برقرار باشد این سابقه بدی است که در عمل بگوئیم آن قانون اجرا نمیشود.

رئیس - آقای دکتر سنگ

دکتر سنگ - سینه بنده گرفته است و نمیتوانم درست عرایضم را عرض کنم. اظهار عقیده کردن نه تنها وظیفه ما است بلکه برنمه ما است که اگر نظری داریم عرض کنیم اگر صحیح است آقایان بپذیرند اگر نا صحیح است که پذیرفته نمیشود ولی اگر بنده به بینم يك مطلبی برخلاف اصل است اگر نگویم برخلاف وجدان و وظیفه خود رفتار کرده ام. اینجا آقای نقابت فرمودند که این لایحه در شور دوم به کمیسیون داد گستری نرفته است و دلیلش هم این است که مخبر کمیسیون داد گستری امضاء نکرده است اگر این عمل برخلاف جریان عمل است چرا ما باید یک قانونی را بگذرانیم که جریان عمل او بخوبی اجرا نشده است؟ پس باید مجلس این مطلب را حل کند اگر مدتی هم وقت صرف این کار بشود اشکالی ندارد اگر این موضوعی که بنده عرض میکنم وارد است که باید حل شود اگر وارد نیست که رأی بدهید.

وزیر کشاورزی - در شور اول این قانون در کمیسیون

کشاورزی و داد گستری هر دو مطرح شد و آمد به مجلس بعد در مجلس نسبت به قسمتهائی که مربوط بکشاورزی بود يك پیشنهاداتی شد ولی نسبت بموادیکه مربوط بداد گستری بود هیچ تغییری داده نشد این بود که آقایان اعضا کمیسیون کشاورزی گفتند که چون در قسمتهای مربوط بداد گستری تغییری پیشنهاد نشده نظر کمیسیون داد گستری همان نظر شور اول است این بود که این لایحه در شور دوم به کمیسیون داد گستری نرفت.

رئیس - آقای روحی

روحی - بنده خواستم آقای نقابت همکار محترم بنده متذکر

باشند که بنده با ارادتی که خدمت ایشان دارم لازم است عرض کنم که اصول مشروطیت و طرز عمل نظامنامه نباید خدشه بآن وارد شود و با این عملی که شده است به طرز اجرای نظامنامه خدشه وارد میشود اینجا ما می بینیم آقای نقابت نشسته اند و از لایحه دفاع میکنند و پیشنهاد قبول میکنند اگر این لایحه به کمیسیون داد گستری نرفته است ایشان چرا دفاع میکنند و اگر ایشان لازم است روی سابقه که در شور اول این لایحه به کمیسیون داد گستری رفته و مواد جزئی دارد دفاع کنند مخبر بایستی دیگر پیشنهاد بدهد و بموجب نظامنامه مجبور است از موادی که از کمیسیون گذشته دفاع کند و این نقض غرض میشود و ضمناً خواستم نظر آقای وزیر کشاورزی را جلب کنم که با این ترتیب که این ماده نوشته شده است تولید اشکال میکند و اینکه نوشته است هر قانونی که با این قانون تصادم دارد از این تاریخ قابل اجرا نیست این برای قاضی و برای مجریان تولید اشکال میکند شما که دولت هستید سرویس منظم دارید میدانید و نتوانسته اید صریحاً در قانون معین کنید این را خواهش میکنم اشکال را رفع بفرمائید اگر باید به کمیسیون داد گستری برود ولو اینکه همان رأی اول را بدهد ارجاع به کمیسیون داد گستری بشود اگر لازم نیست و به کمیسیون داد گستری نرفته است آقای نقابت بیخود اینجا نشستند.

رئیس - آقای نقابت

نقابت - کسی که کمال دقت را در انجام وظیفه دارد نباید متهم بعدم انجام وظیفه بشود با اینکه آقای روحی در آخر بیاناتشان با این ماده مخالفت کردند و نظرشان این بود که با این ترتیب تنظیم ماده ممکن است تولید اشکال کند نمیدانم بچه جهت نظر بنده را که بانظر به ایشان موافق بود میخواهند رد کنند در صورتیکه بنده خواستم خدمتی به قوانین کرده باشم و در این مورد نتوانستم تحمل کنم ناچار بودم پیشنهاد اصلاحی شدم و اگر مراعات اصول بایسته بشود از ریشه باید بشود نه در فورمول عمل و ایشان نباید پابند ظاهر باشند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - پیشنهاد آقای نقابت:

مقررات کیفری دیگری که مخالف با مقررات کیفری مذکور در این قانون باشد در مورد جرائم مذکوره در این قانون بی اثر است.

وزیر کشاورزی - اگر با این مضمون منظوری که عرض کردم تأمین میشود بنده این پیشنهاد را قبول میکنم. مخبر کمیسیون کشاورزی - بنده هم موافقم.

رئیس - موافقین با ماده هیجدهم بنحوی که اصلاح شد برخیزند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد. ماده الحاقیه پیشنهاد آقای مجد ضیائی.

پیشنهاد منیم ماده ۱۹ بعنوان ماده الحاقیه ضمیمه شود: ماده ۱۹ - قطع اشجار ثمره که کاشته شده مادامی که خشک نشده باشد ممنوع است مرتکب به ده روز حبس تأدیبی یا تأدیه دو بست ریال محکوم خواهد شد.

تبصره - در صورتیکه قطع درخت برای پیوند زدن لازم باشد از مقررات این ماده مستثنی خواهد بود.

بعضی از نمایندگان - آقای مجد ضیائی پیشنهاد

رئیس - ماده الحاقیه پیشنهادی آقای رضوی:

ماده الحاقیه - اشخاصی که بر طبق مقررات اداره جنگلبانی پیوند بسته و بادام در جنگلهای دولتی بزند و لااقل پنجاه در صد آنها را به ثمر برسانند آن جنگل به ملکیت آنها قرار خواهد گرفت. حدود و اطراف قسمت ملکیت باید از طرف وزارت کشاورزی تحدید و اگذار شود.

رئیس - آقای رضوی:

رضوی - الان يك مقرراتی هست که اداره کشاورزی با اغلب از مردم در قسمتهای خارج و در جنگل های دولتی يك قرارداد هائی منعقد میکنند و بموجب آن اشخاص میدهند با يك شرایطی که در حدود بیست و دو ماده است يك درختهای جنگل که میوه دار بیست از درختهای میوه دار پیوند میزنند و بخصوص در قسمت کرمان این عمل زیاده تر واقع شده است بنده خواستم پیشنهاد کنم که از نظر تشویق این قبیل اشخاص که می آیند و حاضر میشوند این کار را

انجام بدهند و این جنگلهای فراوانی که در قسمتهای مختلف مملکت هست و از بین رفته است اگر کسی پیدا شد این درختها را پیوند بزنند و پیوند هائی که زده است لااقل پنجاه در صد آنها به ثمر رسیده آنوقت دولت موافقت کند که آن جنگل متعلق بخود او باشد و بنده تصور میکنم از نظر تشویق احیای جنگل پیشنهاد بنده پیشنهاد خیلی مناسبی باشد.

وزیر کشاورزی - بنده با این پیشنهاد موافقم
هاشمی - بنده مخالفم.

دشتی - در مرتبه پیشنهاد را بخوانند.
(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس - آقای هاشمی بفرمائید.

هاشمی - چون آقای رضوی مخصوصاً قسمت کرمان را مثل زدند و این عمل در کرمان جلوتر از سایر جاها شروع شده است و یکنفر هم مقدم به این کار شده است راجع به این موضوع بنده وقتی که نگاه میکنم و خرابی کرمان را که می بینم علت خرابی منحصراً باین است که یک عده انگشت شمار و معدود محترک املاک شده اند و حالا اگر این املاک باین وسیله از دست دولت بیرون برود باز ممکن است باین سرمایه دولت بتواند عده زیادی را تشویق کند و قسمت کرمان را که بنده می بینم شاید این عمل شامل یکی دو نفر بشود و باین جهت با این پیشنهاد بنده مخالف هستم.

وزیر کشاورزی - اساساً این فکر خیلی خوب است برای اینکه جنگلهای خیلی زیادی در کرمان و فارس هست که الان هیچ استفاده از آنها نمیشود (امیر تیمور - در خراسان هم هست) در خراسان هم هست و اگر اینطور بشود یک تشویق زیادی از اشخاص میشود و یک خدمت مهمی به ثروت مملکت خواهد شد. بنده از این لحاظ باین پیشنهاد موافقت کردم ولی اگر آقایان موافقت بفرمایند برای این کار لایحه مخصوصی بیاوریم بهتر است.

رضوی - چون در نظر دارند قانون مخصوصی برای این کار بیاورند و بنده هم قبلاً تصور میکردم که بتوانم با عرایض

آقای وزیر کشاورزی در جلسه بعد برای جواب سؤال بنده حاضر شوند.

وزیر کشاورزی - در اول جلسه بعد جواب سؤال آقای تهرانچی عرض میشود.

[۴ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]
رئیس - موافقت میفرمائید جلسه را ختم کنیم

(صحیح است) جلسه آتیه روز يك شنبه.

۲۰ دیماه سه ساعت پیش از ظهر دستور توابع موجوده

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

خودم آقایان را قانع کنم ولی فعلاً چون می بینم نظر مخالفتی در این قسمت هست بنده که خودم که جنگل خصوصی ندارم و برای این کار هم داوطلب نخواهم بود که مورد نظر واقع شوم بنا براین با نظر آقای وزیر کشاورزی موافقت میکنم که این نظر را در ضمن لایحه دیگری تأمین کنند و پیشنهاد خودم را مسترد میکنم.

رئیس - مذاکره در کلیات است. آقای انوار.

انوار - آقای نقابت يك موضوعی را در این جا ذکر

کردند و آقای دکتر سنک هم يك صحبتی کردند بنده خواستم این موضوع این جا حل شود - این لایحه اول قرار بود به کمیسیون کشاورزی برود چون این قضیه مربوط و مختص به کمیسیون کشاورزی بود بعد از نظر مقررات کیفری قرار شد به کمیسیون دادگستری هم برود در شور و چون تغییری در قسمتهای کیفری داده نشد و پیشنهادی تشدید فقط به کمیسیون کشاورزی رفته است و اساساً نظر جدائی در بین کمیسیون های مجامع نیست و بالاخره موضوع در مجلس هم مطرح میشود و این عمل طوری نیست که قانون را متزلزل کرده باشد (صحیح است) و مجلس هم کاملاً بوظیفه خودش عمل کرده است حالا کسی تصور نکند که اگر آقای نقابت ایرادی کردند و آقای دکتر سنک هم بیاناتی کردند این جریان خلاف نظامنامه نیست و کاملاً مطابق نظامنامه عمل شده است (صحیح است)

رئیس - رأی گرفته میشود به مجموع این قانون موافقین برخیزند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

رئیس - بنده از آقایان رفقای خودم اظهار تشکر میکنم برای اینکه قراری که خودشان دادند در کمال خوبی رعایت کردند و امیدوارم که این قرار در جلسات بعد هم همینطور از طرف آقایان رعایت شود و بعلاوه این که موافقت فرمودند که يك قانونی بزودی گذشت موجب خوشوقتی است و آقایان وزراء هم زودتر در جلسه حاضر شوند.

طهرانچی - بنده خواهش میکنم مقرر فرمائید

قانون

راجع به جنگل ها

ماده اول - مراقبت در حفظ و احداث جنگلها و نظارت در بهره برداری آنها بمعهده وزارت کشاورزی میباشد .
تبصره - مالکین جنگل های خصوصی مکلفند دستور های وزارت کشاورزی را برای حفاظت جنگل های خود و تجدید جنگلهای از بین رفته و بهبود آنها رعایت و بموقع اجرا بگذارند .

ماده ۲ - بریدن درخت از جنگل و تهیه هیزم و ذغال و تبدیل هر جنگل بزمین زراعتی اعم از اینکه جنگل ملك اشخاص یا دولت باشد بدون داشتن پروانه از وزارت کشاورزی ممنوع است . وزارت کشاورزی با در نظر گرفتن احتیاجات عمومی پروانه های لازم را بموقع صادر خواهد کرد .

تبصره ۱ - تهیه هیزم از درختها و شاخه های که وزارت کشاورزی برای مصرف سوخت مناسب میداند و با گهی عموم خواهد رسانید برای مصرف محلی جنگل نشینان و ساکنین دهکده های مجاور نیازمند بصدور پروانه نیست .

تبصره ۲ - قطع درخت برای مصارف روستائی از قبیل خانه سازی - سد سازی - پادنگ - تلمبار - آبدنگ و سه پایه زنی و غیره ساکنین جنگل و دهکده های مجاور آن بمیزانی که وزارت کشاورزی تعیین مینماید آزاد است مشروط بر اینکه قطع کنندگان قبلاً اظهارنامه بمأمورین جنگلبانی محل داده و با نظارت آنها اقدام بقطع درخت بنمایند .

تبصره ۳ - قطع اشجار در محوطه خانه های روستائی در حدود یکهزاروپانصدمتر مربع برای ساکنین آزاد است .

ماده سوم - صدور پروانه قطع درخت در مرز جنگلها به عرضی که وزارت کشاورزی تعیین خواهد کرد و از يك كيلومتر کمتر نخواهد بود برای همیشه ممنوع است .

ماده چهارم - هر کس برخلاف این قانون بدون پروانه وزارت کشاورزی درخت از جنگلها بپندازد بپرداخت جریمه از پنجاه و يك ریال تا پنجاه و نه ریال و حبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه محکوم خواهد شد

تبصره - مأمورین کشاورزی مکلفند پس از وصول اظهار نامه و تقاضای پروانه برای قطع درخت در ظرف ۱۵ روز رسیدگی نمایند و در صورت استحقاق پروانه لازم صادر کنند

ماده پنجم - استفاده از درخت های افتاده جنگل برای مالکین آنها پس از معاینه و گواهی مأمور جنگلبانی مجاز است و مأمور موظف است پس از وصول اظهارنامه در مدتی که زیاده از پانزده روز نباشد معاینه و گواهی دهد .

ماده ششم - هر کس جنگل یا قسمتی از آنرا عمداً بسوزاند بحبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم میشود و اگر برای جنگل کاری یا تبدیل جنگل بزراعت یا هر اقدام دیگری سوزاندن جنگل ضرورت داشته باشد اجرای آن منوط با اجازه وزارت کشاورزی بارؤسای کشاورزی خواهد بود .

ماده هفتم - هر کس از روی بی احتیاطی مرتکب عملی شود که در نتیجه آن جنگل آتش بگیرد بحبس تأدیبی از دو ماه تا یکسال محکوم خواهد شد .

ماده هشتم - در مواقع آتش سوزی جنگلها کلیه مأمورین دولت و اهالی که در نزدیک آن محل باشند موظف بکماک در آتش نشانی هستند .

ماده نهم - هر کس بواسطه اعمالی مانند کت زدن یا بی زدن درخت یا روشن کردن آتش در تنه درخت و غیره سبب خشکانیدن درخت های جنگل شود بحبس تأدیبی از هشت روز تا دو ماه و پرداخت غرامت از پنجاه و يك تا سیصد ریال بجزاانه

دولت برای هر درختی که خشکانیده باشد محکوم خواهد شد .

ماده دهم - قطع شاخه های بزرگ درخت های جنگل بجز در مواردی که این قانون استثناء کرده است ممنوع است و متخلف پرداخت دو تا پنج ریال بجزانه دولت برای هر شاخه که بریده است محکوم خواهد شد .

تبصره - شاخه بزرگ شاخه ای است که قطر آن در محل اتصال به تنه درخت بیش از هشت سانتی متر باشد .

ماده یازدهم - در جنگل هائی که سوخته و یا از آنها بهره برداری شده و بموجب آگهی منتشر از طرف وزارت کشاورزی حدود آنها گردیده چرای دام تامدتی که وزیر کشاورزی مقتضی بداند و آگهی نماید ممنوع است متخلف پرداخت غرامت از پنجاه و یک تا پنج هزار ریال بجزانه دولت محکوم خواهد شد .

ماده دوازدهم - نسبت به بزدهای مذکور در این قانون مأمورین جنگل بانی وزارت کشاورزی جزء ضابطین دادگستری بشمار آمده و گزارش آنها مطابق تکالیفی که در فصل دوم از باب یکم قانون آئین دادرسی کیفری معین شده معتبر خواهد بود .

تبصره - در صورتیکه گزارش مأمورین برخلاف واقع و برای نفع شخصی یا اعمال غرض بوده باشد مأمور گزارش دهنده بدو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش خلاف واقع بوده است محکوم خواهد شد .

ماده سیزدهم - هر گاه مأمورین جنگل بانی در اجرای مقررات این قانون و آئین نامه های مربوطه مراقبت کامل نمایند و متخلفین از مقررات این قانون را تعقیب نکنند بحسب تأدیبی از یک تا سه ماه محکوم خواهند شد .

ماده چهاردهم - آئین نامه های مربوط با اجرای این قانون را وزارت کشاورزی تهیه و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجرا خواهد گذارد وزارت کشاورزی مجاز است که به متخلفین از مواد آئین نامه های این قانون تا مدتی که مقتضی بداند پروانه قطع درخت ندهد .

ماده پانزدهم - مواد ۲ و ۴ و ۱۰ این قانون در حوزه هائی که وزارت کشاورزی اجرای آنرا لازم بداند یکماه پس از آگهی در هر حوزه قابل اجرا است .

ماده شانزدهم - هیچیک از مأمورین جنگل بانی حق نخواهند داشت مستقیماً یا بواسطه دیگری بمعاملات بازرگانی چوب مبادرت کنند - اقوام طبقه اول و دوم آنها نیز مشمول این حکم خواهند بود .

ماده هفدهم - در جنگل هائی که اقدام به بهره برداری و قطع اشجار میشود مالکین باید مطابق دستور وزارت کشاورزی درخت کاری نمایند و نیز در جنگلهای دولتی و بلا صاحب دولت مستقیماً مکلف بانجام مقررات این ماده میباشد .

ماده هیجدهم - مقررات کیفری دیگری که مخالف با مقررات کیفری مذکور در این قانون باشد در مورد جرائم مذکور در این قانون بی اثر است .

این قانون که مشتمل بر هیجده ماده است در جلسه هفدهم دیماه یکهزار و سیصد و بیست و یک بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری